



دکمه قطع صدا را بنید!

ریچارد گودوین*

مترجم: آذر اصغریان دهکردی

سیستم شنوایی را با بینی مقایسه کنید. هنگامی که به یک شیء نگاه می‌کنید گویی آن را در دنیای بیرون مجسم می‌کنید، در حالی که از نظر ما صداها از جایی درون سرمان ساطع می‌شوند. همین مسأله، آن‌ها را تحمیلی یا اضافی می‌کند. وی افزود: «در بهترین حالت می‌توان گفت که هدفون‌ها وسیله‌ای برای کنترل محیط هستند. خیلی جالب بود وقتی که کاربران «اسپاتیفای» در پایان سال ۲۰۱۹ بهترین آهنگ‌هایشان را به اشتراک گذاشتند، در آهنگ‌هایی با عنوان «امواج» یا «صدای باران»، شنندگان خواهان بلاک کردن هر نوع عامل آزارنده بودند. اما به گفته لویتین، بدترین حالت این است که جوانان به موسیقی گوش می‌دهند و فکر می‌کنند که می‌توانند به این شکل تمرکز کرده و عملکردشان را بهبود بخشند. یافته‌های حاصل از هزاران مطالعه نشان می‌دهد که موسیقی با این که لذت‌بخش است اما به طرز باورنکردنی برای تمرکز بد است، ضمناً توانایی ما برای معطوف کردن توجهمان به آنچه می‌خواهیم با تمایل ما به انجام آن کار وابسته است.

«گجت‌های شنیدنی» امروزه به شکل «پوشیدنی» در دره سیلیکون وارد بازار شده‌اند. آمازون، اپل و گوگل همگی در فناوری گوش‌های مشغول فعالیت هستند. آزمایشگاه‌های تازه‌تأسیس داپلر، محصولاتی با هدف حذف صداها، اضافی، تشدید صدای اسپیکرها و حتی ایجاد بایبل فیش‌های زنده و واقعی مثل ترجمه، تولید و عرضه کردند. ما اغلب تصور می‌کنیم که آینده‌های مجازی - واقعی شامل برخی گونه‌های مشترک فراروی ماست اما ممکن است کاری ساده توسط گوش‌هایمان باشد. به زودی می‌توانیم صدای کسانی را که نمی‌خواهیم بشنویم قطع کنیم اما چه کسی می‌داند چه صداها دیگری را می‌توان ساکت کرد؟ ریس گفت: «استدلال ما این است که این کار می‌تواند به کیفیت فضای عمومی و بافت اجتماعی آسیب بزند. ما همه افرادی منفرد می‌شویم. اگر مدام به پادکست‌ها یا موسیقی گوش دهیم خودمان را از جامعه می‌بریم و شانس برقراری ارتباط با دیگران، کمک و تجربه را از خود می‌گیریم.

از نظر او، دکمه قطعی اوپر، نوعی خوش‌اقبال است تا آن پرسوناها را برای چند دقیقه آرام کنیم. او می‌گوید: «بشر در گروه‌های کوچک شکارچی - گردآورنده، تکامل یافته است؛ جایی که همه یکدیگر را می‌شناسند. ما لزوماً عادت نکرده‌ایم تا همیشه با غریبه‌ها در تعامل باشیم. این کار از نظر مردم به طرز باورنکردنی خسته کننده است. حداقل در تاکسی این فرصت را دارید تا در آرامش و سکوت بنشینید.»

خوب، بله درست، اما نکته آزاردهنده درباره دکمه قطعی صدای اوپر این است که هرگونه روابط انسانی را قطع می‌کند. راننده اوپر خاطرنشان کرده: «سخت نیست بفهمی کسی مایل به گفتگوست یا خیر. شما می‌پرسید اسمتان چیست و کجا تشریف می‌برید؟ و لحن جواب دادن مشتری نشان می‌دهد که مایل به گفتگوست یا خیر. به هر حال اکثر مردم گوشی دارند. من هم معمولاً بلوتوث دارم.

در تلگرام گروه‌هایی با ۲۰۰ راننده وجود دارد، اگر شاهد تصادفی باشید می‌توانید آن را در گروه گزارش دهید. در غیر این صورت، کتاب صوتی، سخنرانی، رادیو، پادکست و ابزار آموزشی در دسترس هستند. اگر بخواهم اطلاعاتی در هر زمینه‌ای داشته باشم، می‌توانم وقتی در خانه هستم آن را دانلود کنم و گوش بدهم.»

اما می‌توان دریافت که این گریز از صداها بیرونی، شکلی از قطعی صداست. با نگاهی به اطراف اداره‌ای که در آن این کلمات را تایپ می‌کنم می‌بینم که حداقل نیمی از همکارانم هدفون دارند و هر قدر جوان‌تر باشند احتمال این که متصل شوند بیشتر است. به گفته دکتر تام رایس، سخنگوی انسان‌شناسی صوتی در دانشگاه دکستر، گرایش‌ها بیشتر به سمت خصوصی‌سازی فضای شنیداری است. برایمان مسلم شده که محیط شنوایی ما بسیار پر سر و صداست، حتی خانه‌مان، چون احتمالاً میکروفرها و ماشین‌های لباسشویی مدام بیب می‌کنند (و در برخی موارد با ما حرف می‌زنند)، اما اکثر مردم صدای دنیا را قطع نمی‌کنند، چون برایشان کاری طاقت‌فرسا و گیج‌کننده است.

دکمه قطع صدا در سال ۱۹۵۶ توسط رابرت آدلر، مهندس اتریشی تباری که برای شرکت رادیویی زینت در شیکاگو کار می‌کرد اختراع شد. این دکمه یکی از چهار دکمه تحت کنترل او بود؛ اولین کنترل از راه دوری که به لحاظ تجاری موجود بود. سه دکمه دیگر - روشن، خاموش، کانال بعد و قبل - به نظر مهم‌تر بودند اما رئیس آدلر، یوجین اف مک دونالد، افسر سابق اطلاعات نیروی دریایی که به او فرمانده می‌گفتند بر سکوت تأکید داشت. آدلر در سال ۱۹۸۷ خاطرنشان کرد که رئیسش از تبلیغات متفر بود. مک دونالد بیم آن داشت که این وقفه‌ها و نفوذ دائمی، ضربه‌ای بر پیکره رسانه نوین وارد آورد. بنابراین زینت با افتخار اعلام کرد دکمه قطع صدا به بینندگان این امکان را می‌دهد تا «صدای تبلیغات طولانی و آزاردهنده را قطع کنند».

هنوز مک دونالد نتوانسته بود تبلیغات پاپ‌آپی را هضم کند که پمپ‌بازین‌ها در صدد برآمدن تا ناچو (خوراک مکزیکی) بفروشند یا بر اقتصاد آشفته تاخت و تاز کنند. درست در همین زمان یعنی در عصر قطعی پی در پی بود که شروع به درک پتانسیل کامل قطعی صدا نه تنها برای وسایلمان بلکه در زندگی واقعی‌مان کردیم.

ماه گذشته، شرکت تاکسیرانی «اوپر» اقدام به آزمایش مجموعه‌ای جدید برای کاربران خود کرد، از جمله فعال کردن دکمه قطع صدای راننده در صورت عدم تمایل به شنیدن صدای او.

«تمایل به سکوت» حسن تعبیری است که اوپر به کار برد (همچنان می‌توانید آن را به یک گفتگوی شاد با راننده خوش شانس تغییر دهید) که به نظر می‌رسد رؤیای انتخاب این را که به چه کسی و چه چیزی گوش دهیم محقق می‌سازد.

یکی از رانندگان اوپر از اهالی لندن شرقی به من گفت: «راستش را بخواهید از نظر من این کار توهین‌آمیز است، مثل این که به کسی بگوییم خفه شو!»

این دکمه چیزهای زیادی راجع به اوپر می‌گوید. اوپر خاطر نشان کرد که این دکمه در واکنش به نگرانی‌های مشتریانی است که رانندگان به علت عدم تمایل به گفتگو به آن‌ها امتیاز پایی می‌دهند، در ضمن رانندگان اغلب به همین خاطر از وارد بحث شدن با مسافران می‌ترسند. اما بیایید صادق باشیم: کدام یک از ما وسوسه نمی‌شود تا صدای آزارنده همکارش، صدای کودکی جیج جیغو یا کارسون خیلی خودمانی را قطع کند؟ دکمه قطع صدا نوید باغی بدون مار را می‌دهد؛ دنیایی که در آن می‌توانید رضایت یا ناراضی‌تی از سکوت را اعلام کنید و این گواهی بر وجود مسیری قاطع است.

در سال ۲۰۱۴، توئیتر کلید قطع صدا را عرضه کرد که به نظر می‌رسید بارزترین مشخصه شبکه اجتماعی است، نوعی بی‌اعتنایی و عدم توجه به صحبت‌های طرف مقابل. به جای «بلاک کردن» کسی که البته کاری توهین‌آمیز است (و آن‌ها متوجه این کارتان می‌شوند)، می‌توانید محتاطانه صدایشان را قطع کنید (جوری که متوجه نشوند). بخشی از این کار به دلیل تمایل به قطع صدای اوپاش مجازی است که از واکنش نشان ندادن شما به خودشان تعجب می‌کنند.

توئیتر با یک دکمه قطع صدای موضوع‌محور در سال ۲۰۱۷ به تشریح مسأله پرداخت: اگر نمی‌خواهید به «جزیره عشق» یا «لیگ قهرمانی» یا «دومینیک راب» گوش بدهید، خوب مجبور نیستید گوش بدهید. اگر می‌خواهید نگاهی اجمالی به توئیتر بیندازید، عبارت قطع صدا را جستجو کنید: «من می‌خواهم از دکمه قطع صدا به خاطر این که همیشه همراهم بوده تشکر کنم»، «دکمه قطع صدا یکی از ده دکمه برتر در جهان است»، «از اینستاگرام برای ایجاد دکمه قطع صدا برای پست‌ها و استوری‌ها قدردانی می‌کنم»...

اینستاگرام نیز سال گذشته دکمه قطع صدای خود را اضافه کرد. حالا شما می‌توانید از خیر دیدن سلفی‌های چندش‌آور دوستانتان بدون این که خاطرشان را مکدر کنید، بگذرید. روان‌شناس بالینی، پل گیلبرت، نویسنده کتاب «مثل یک احمق زندگی کن» چنین واکنش‌هایی را در اصطلاحات یونگ دیده، او می‌گوید: «ما داریم هرچه بیشتر به سمت پرسونا محور بودن پیش می‌رویم. ما همگی تظاهر می‌کنیم همان چیزی هستیم که مردم می‌خواهند ببینند و بشنوند. ما همگی در رسانه‌های اجتماعی چنین وانمود می‌کنیم.»



خود من به شخصه زیاد با گوشی مخالف نیستم و فکر می‌کنم می‌تواند به طرز شگفت‌انگیزی مفید باشد و زندگی شنیداری فرد را غنی بخشد اما فکر می‌کنم که می‌توان با گوش سپردن به صدای محیط به نکات مهمی دست یافت.»

یک شیوه، تمرکز بر رژیم غذایی صداهايمان است. آیا می‌توانید پنج صدا را در زندگی روزمره‌تان جدا کنید، صداهایی که از آن‌ها خوشتان می‌آید و از شنیدنشان لذت می‌برید و زندگی‌تان را بهبود می‌بخشند؟ صدای شرشر آب در سینک ظرفشویی، آواز پرندگان، زوزه باد لابه‌لای درختان، انعکاس صدای عابران روی پل... و نیز معطوف کردن توجه به صداهایی خاص و تمرینی از این قبیل ما را بر آن می‌دارد نگاهمان را نسبت به صداهای محیط عوض کنیم و بفهمیم مایلیم کدام صداها را در زندگی‌مان بشنویم.

رایس افزود: «از نظر بسیاری از مردم این صداها کسل‌کننده‌اند و خیلی‌ها چنین می‌پندارند که برخی از صداها حتی ارزش شنیدن هم ندارند.»

البته آواز صبحگاهی پرندگان نیز دیگر مثل سابق دلنشین نیست. صدای مته هوایی، کامیون‌ها و آهنگ دختر گالوی «اد شیرن» که از سوپرمارکت یا اماکن عمومی به گوش می‌رسد، اعصاب‌خردکن است.

دکتر دنیل لویتین، عصب‌شناس دانشگاه مک‌گیل مونترال و خالق «ذهن منظم» می‌گوید: «ما یک سرشماری درباره زندگی مردم انجام دادیم و از آن‌ها پرسیدیم بزرگ‌ترین عامل آزاردهنده زندگی مدرن چیست. «موسیقی یا صداهای ناخواسته» در رده پنجم قرار داشت. این مسأله ارتباط تنگاتنگی با عملکرد سیستم شنوایی دارد.»